

Original Article

Principles of Bioethics in the Institution of the Family from the Perspective of Islam

Nahid Naeemipour¹, Hadi Azimi Garekani^{2*}, Seyyed Ali Pourmanoochehri³

1. Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Jurisprudence and Basics of Islamic Law Department, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Garekani1399@yahoo.com
3. Jurisprudence and Basics of Islamic Law Department, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 4 Mar 2020 Accepted: 18 Jul 2020

Abstract

Background and Aim: The concept of the family has a great importance from the perspective of Islamic teachings, the absence or threat of which may have irreparable consequences in the moral and social spheres. For this reason, paying attention to the moral teachings of Islam and examining the principles of bioethics on the institution of the family has been selected as the main purpose of this study.

Materials and Methods: In this study, by descriptive-analytical method (library method), the moral teachings of Islam about the institution of the family were studied and information was collected through documentary methods and using jurisprudential and legal texts.

Findings: The establishment and continuity of the family institution from the perspective of Islamic teachings requires the observance of principles and conditions that are morally considered to be the promoters of individual and social morality. These principles include long-term relationship, respect for family members, good fellowship, agreement and understanding, honesty and patience, loyalty and trustworthiness, secrecy and fault, division of duties based on justice, which is considered a model for promoting morality in society.

Conclusion: Relying on the institution of the family, the Islamic moral system can pave the way for a committed and transcendent generation that puts both divine values at the forefront of individual, family, and social behavior and confronts the challenges of the modern world that target the institution of the family. Accordingly, the history of secular moral systems shows that they are ineffective in making this institution desirable and sometimes in conflict with its higher interests.

Keywords: Bioethics; Family; Moral System; Islamic Ethics

Please cite this article as: Naeemipour N, Azimi Garekani H, Pourmanoochehri SA. Principles of Bioethics in the Institution of the Family from the Perspective of Islam. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 133-134.

اصول اخلاق زیستی در نهاد خانواده از منظر اسلام

ناهید نعیمی پور^۱، هادی عظیمی گرکانی^{۲*}، سیدعلی پورمنوچهری^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Garekani1399@yahoo.com

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: نهاد خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی دارای اهمیت فراوانی است که فقدان و یا تهدید آن ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری در حیطه اخلاقی و اجتماعی در پی داشته باشد. به همین دلیل توجه به آموزه‌های اخلاقی اسلام و بررسی اصول اخلاق زیستی در باب نهاد خانواده به عنوان هدف اصلی پژوهش حاضر انتخاب شده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، با روش توصیفی - تحلیلی (روش کتابخانه‌ای)، به بررسی آموزه‌های اخلاقی اسلام در باب نهاد خانواده پرداخته و اطلاعات نیز به شیوه اسنادی و بهره‌گیری از متون فقهی و حقوقی جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: برپایی و تداوم نهاد خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی نیازمند رعایت اصول و شرایطی است که از حیث اخلاقی، مروج اخلاق فردی و اجتماعی نیز تلقی می‌شوند. این اصول شامل رابطه مودت‌آمیز، تکریم اعضای خانواده از سوی یکدیگر، حُسن معاشرت، توافق و تفاهم، صداقت و شکیبایی، وفاداری و امانتداری، رازدای و عیب‌پوشی، تقسیم وظایف بر مبنای عدالت است که کاربست این اصول الگویی برای ترویج اخلاق در جامعه تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری: نظام اخلاقی اسلامی با تکیه بر نهاد خانواده می‌تواند زمینه‌ساز نسلی متعهد و متعالی گردد که هم ارزش‌های الهی را سرلوحه رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار دهد و هم با چالش‌های دنیای مدرن که نهاد خانواده را هدف گرفته است، مقابله کند. بر این اساس، سوابق نظام‌های اخلاقی غیر دینی، نشان‌دهنده بی‌اثر بودن آن‌ها در مطلوبیت‌بخشی به این نهاد و گاه در تعارض با مصالح عالی آن است.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی؛ خانواده؛ نظام اخلاقی؛ اخلاق اسلامی

مقدمه

انسان در زندگی اجتماعی برای ادامه حیات و همچنین دستیابی به اهداف والا نیازمند بهره‌گیری از نهادها و نقش آفرینی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی است. به همین دلیل و با توجه به رویکردهایی که از سوی مکاتب اخلاقی و حتی ادیان و مذاهب مختلف بیان می‌شود، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت محوری بودن فردگرایی در مکتب اخلاقی لیبرالیسم و همچنین نقش مهم نهاد خانواده در مکتب اخلاقی اسلامی نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در این زمینه است، به طوری که در مکتب اخلاقی اسلام به نقش خانواده و کارکرد مؤثر آن در تکثیر نسل بشر، تداوم ارزش‌های زیستی و اخلاقی و همچنین پیاده‌شدن احکام و اوامر الهی بسیار توجه شده است. به طور مشخص آموزه‌های اخلاق اسلامی در زمینه نقش آفرینی نهاد خانواده بر این عقیده‌اند که اگر روابط و معاشرت افراد در خانواده تحت قواعد معین و عادلانه‌ای نباشد، به آسیب‌هایی منجر می‌شود که جدیت این موضوع، ضرورت ارائه راه‌کارهای مربوط به سلامت خانواده را ایجاب می‌کند، به ویژه آنکه از یک طرف عواملی چون نفوذ مدرنیته منهای اخلاق، نادیده انگاری ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر خانواده‌محوری و گاه رفتارهای دین‌ستیزانه، موجب فاصله‌گرفتن انسان از مؤلفه‌های معنوی و اخلاقی شده است؛ از شواهد این مدعا گسست روابط خانوادگی، آمار روزافزون طلاق، پدیدآمدن فرزندان تک‌سرپرست و بدسرپرست، خیانت و در مجموع تهی‌شدن خانواده از ارزش‌های انسانی و اخلاقی در یک فرایند تدریجی است و از طرفی دیگر نگرانی آن دسته از انسان‌های خیراندیش است که به تعالی خانواده و کارکردهای حقیقی آن می‌اندیشند.

با این شرایط پیاده‌کردن یک نظام اخلاقی منسجم و جامع به ویژه در حوزه خانوادگی، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. بنابراین از ضرورت‌های توجه به چنین موضوعاتی، بررسی نقش نهاد خانواده و پی‌ریزی اخلاق زیستی منبث از احکام و آموزه‌های دینی است، ضمن این‌که در شرایطی که ملاحظات و باید‌ها و نبایدهای اخلاقی بشر، نتوانسته است رافع و مصلح چالش‌های خانوادگی باشد، تنها نظام اخلاقی اسلامی است که

با ظرفیت خاص خود، توجه دقیق‌تری به این مسأله دارد، چنانچه قواعد اخلاقی اسلام هر جا مورد توجه قرار گرفته است، تأثیر شگرف آن در تحکیم خانواده قابل مشاهده است. به یقین کاربست اصول اخلاقی اسلام تنها تضمین‌کننده رفع موانع و آسیب‌های موجود است. این مطالعه نیز به این منظور و با هدف معرفی بخشی از زوایای اخلاقی اسلامی در حوزه خانواده انجام شده است تا در نهایت دورنمایی از یک الگوی اخلاق زیستی فراهم کند.

مفاهیم و اصطلاحات بحث

۱- خانواده

خانواده نهادی اجتماعی است که از دیرباز همراه زندگی بشر بوده است. در این صورت، خانواده مجموعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که از طریق روابط سببی یا نسبی و با رضایت خاطر در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و روابط و تعاملات نسبتاً پایداری با یکدیگر دارند. نقش‌های مختلف پدر، مادر، فرزند، خواهر، برادر و... در درون خانواده ایجاد می‌شوند. خانواده ممکن است تک‌نفره، چندنفره و هسته‌ای و پراکنده باشد.

۲- اخلاق زیستی

اخلاق زیستی اصطلاحی نسبتاً عام و فراگیر است که به اخلاق خاص یا مشخصی محدود نمی‌شود. بر این اساس، اصطلاح اخلاق زیستی بدان معناست که تنها به متخصصان علم خاصی محدود نمی‌شود، بلکه به متخصصان مختلف در حوزه‌های متفاوت و متعدد از جمله علوم زیستی، بیوتکنولوژی، فلسفه، اخلاق، حقوق و... نیز ارتباط پیدا می‌کند (۱). بنابراین ارتباط اخلاق زیستی با حوزه‌ها و رویکردهای مختلف نشان‌دهنده بسیط‌بودن آن و همچنین پیدایش گونه‌های خاصی از اخلاق زیستی است.

مبانی نظری اهمیت نهاد خانواده در اسلام

خانواده یکی از محورهای اساسی نظام اجتماعی اسلامی به شمار می‌رود. به همین دلیل، آیات و روایات متعددی وجود

دارند که بر اهمیت و تأثیرگذاری نهاد خانواده بر زندگی و سرنوشت انسان‌ها تأکید می‌کنند. خانواده در اسلام، با مسأله ازدواج نیز گره خورده است، به طوری که می‌توان گفت، ازدواج سنگ بنای نهاد خانواده به شمار می‌رود و به عنوان مقوله‌ای مهم، حافظ کرامت انسان‌ها، زندگی عزتمند و ایجاد مهربانی و مودت مورد توجه قرار می‌گیرد. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های خدا آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید تا بدیشان آرام بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هاست.»

علاوه بر آیات، روایات متعددی وجود دارند که با اهمیت قائل شدن به نقش نهاد خانواده، ضرورت حفظ و حراست از آن را نیز گوشزد کرده‌اند. در همین رابطه، امام باقر (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «در اسلام بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند عز و جل بنا نشده است» (۲). بنابراین با توجه به اهمیت نهاد خانواده و محبوب بودن آن نزد خداوند، سایر مقولات مرتبط با آن از جمله ازدواج، فرزندآوری، تعلیم و تربیت فرزندان، رفتار والدین با یکدیگر، رفتار فرزندان با والدین و بالعکس، بسیار مورد توجه است. از این رو از پیام آیات و روایات چنین برمی‌آید که حفظ نهاد خانواده و بهره‌گیری از آن برای بسط و گسترش اخلاق و بهبود رفتارهای فردی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی اسلامی به شمار می‌رود. بدین ترتیب نفی هوس‌بازی و ارتقای زیست اخلاقی انسان‌ها و همچنین رسیدن به اهداف متعالی انسانی و اجتماعی از مهم‌ترین دلایل تشکیل خانواده محسوب می‌شود. همچنین فراهم کردن شرایط اجتماعی و فردی برای گسترش فرهنگ ازدواج و جلوگیری از طلاق از دیگر رویکردهایی است که در آموزه‌های دینی قابل مشاهده است، چنانچه در این زمینه روایت شده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِرَجُلٍ فَقَالَ: مَا فَعَلْتَ امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؟ قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ. قَالَ: ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ تَزَوَّجَ فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ: تَزَوَّجْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ مَرَّ بِهِ، فَقَالَ: مَا فَعَلْتَ

امْرَأَتَكَ؟ قَالَ: طَلَّقْتُهَا، قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ؟ قَالَ: مِنْ غَيْرِ سُوءٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغِضُ - أَوْ يَلْعَنُ - كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلَّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ؛ امام باقر (ع) فرمود: پیامبر (ص) بر مردی گذشت به وی فرمود: با همسرت چه کردی؟ گفت: ای رسول خدا او را طلاق دادم. حضرت فرمود: بدون بدی (علتی)؟ گفت: بی‌آنکه بدی از او دیده باشم. آن مرد (دوباره) ازدواج کرد و پیامبر (ص) او را دید و از او پرسید: آیا (دوباره) ازدواج کردی؟ گفت: آری. (بار دیگر) پیامبر (ص) او را دید و از او پرسید: با همسرت چه کردی؟ پاسخ داد: او را طلاق دادم. حضرت فرمود: بدون بدی (علتی)؟ گفت: بی‌آنکه بدی از او دیده باشم. سپس پیامبر (ص) فرمود: همانا خداوند، مبعوض می‌دارد (لعنت می‌کند) مردان و زنان هوسباز را» (۳).

روایت فوق، به صراحت، طلاق بدون علت و سبب، مشمول بغض و لعنت الهی دانسته شده، بدیهی است که لعن و محرومیت از رحمت الهی، بیانی نیست که تنها بر یک توصیه اخلاقی ساده دلالت داشته باشد. بنابراین لعن شدن مسأله طلاق و تأکید بر فراهم شدن شرایط ازدواج به خوبی بیانگر جایگاه تشکیل خانواده، حفظ و گسترش آن و همچنین به حداکثر رساندن نقش‌آفرینی آن در عرصه‌های مختلف است. در همین راستا، برخی قوانین از جمله قوانین مدنی ایران با توجه به تأثیرپذیری از احکام و آموزه‌های دینی، بر حفظ و اهمیت خانواده و نقش مؤثر آن در گسترش اخلاق فردی و عمومی تأکید می‌کنند. به همین دلیل، در مبحث ازدواج و طلاق، غالباً رویکرد قوانین به گونه‌ای است که به گسترش ازدواج منجر شود و در مقابل، طلاق نیز به حداقل برسد، زیرا گسترش فرهنگ طلاق یکی از آسیب‌های نظام خانواده و حتی اخلاق فردی و اجتماعی شناخته می‌شود. بنابراین قوانین داخلی، هرچند طلاق را نیز به رسمیت شناخته‌اند، اما نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند تا جلوی انحلال نهاد خانواده گرفته شود. برای مثال، در مسأله طلاق، اصولاً حق طلاق با مرد است، ولی قانونگذار درباره انحلال خانواده بی‌تفاوت نیست و می‌کوشد تا از تصمیمات نسنجیده و قهرآمیز شوهر جلوگیری کند. به همین دلیل او را ناگزیر می‌کند که به دادگاه برود و تسلیم رأی داور شود. علاوه بر این، کانون خانواده باید

طریق، ازدواج و فرزندآوری موجب پیوند نسل‌ها و تداوم نسل بشر می‌شوند. در غیر این صورت نسل بشر قطع و در بلندمدت منقرض می‌شود. در همین راستا، پیامبر گرامی اسلام در روایتی می‌فرمایند: «هیچ یک از شما نباید فرزندخواهی را واگذارد، چراکه وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، از نام و آوازه می‌افتد» (۶). از طرفی دیگر، فرزندی که در صورت تربیت صحیح و اسلامی در فعالیت و خدمت به جامعه مسلمین همچون والدین خویش و یا بهتر و مؤثرتر خواهند بود، نتیجه تولید مثل‌اند که طبیعت بقای نسل آدمی است. بنابراین اگر قرار باشد، به رغم تشکیل خانواده زاد و ولد به عنوان یک اصل مطرح نباشد، در بلندمدت جامعه با امحا و انقطاع نسل بشر مواجه خواهد شد (۷).

اصول اخلاق زیستی اسلامی در نهاد خانواده

۱- اصل مودت و محبت

یکی از اهداف اساسی ازدواج و طریق اولی تأسیس نظام خانواده، برقراری روابط مودت‌آمیز است که در آیات قرآن نیز بدان اشاره شده است. در همین راستا، در نهاد خانواده که کانون عواطف و احساسات است، این امر نمود عینی برخوردار از سلامت معنوی و نشانه پایبندی به ارزش‌های اخلاقی است و باعث انسجام و استحکام خانواده می‌شود. مهرورزی و صمیمیت از نشانه‌های سلامت روحی و عقلی انسان مؤمن است، چنانکه گزاره‌های روایی نیمی از خردمندی را در اظهار دوستی دانسته است. در نظام اخلاقی اسلام، به صراحت بر این مسأله تأکید شده است. جایی که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.»

اصل مودت و محبت در نهاد خانواده از همان ابتدا و شروع زندگی مشترک مورد توجه است که حتی برخی، فقدان آن را به معنای مرده‌بودن زندگی مشترک تعبیر می‌کنند. مرتضی مطهری در این باره می‌گوید: «هر زمان که شعله علاقه و محبت مرد، خاموش شود ازدواج از نظر طبیعی مرده است، لذا ادامه آن به صلاح نیست» (۸). بنابراین اخلاق اسلامی در خانواده، اخلاقی مداوم و دارای اهدافی است که اصل مودت و

سرشار از مودت و مهربانی و گذشت باشد تا زمینه‌ها برای پرورش نسل‌های خوب و مؤثر در جامعه فراهم شود. بنابراین حسن معاشرت در نهاد خانواده یک ضرورت مهم به شمار می‌رود.

مسأله تشکیل خانواده که با ازدواج شروع می‌شود، نقطه آغازی است برای یک زندگی مطلوب که حفظ و تداوم آن از ازدواج مهم‌تر است. بدین ترتیب برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زوجین کافی نیست. آنان ضمن عقد نکاح داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. بنابراین زندگی سرشار از محبت و مهربانی ضامنی برای ثبات خانواده است و رابطه همسری زن و مرد بدین معناست که سلوکشان با هم با خوشرویی، مسالمت و مهربانی آمیخته باشد، این دو باید از اعمالی که سبب نفرت و کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری است، بپرهیزند. با این حال، لوازم حسن معاشرت را نمی‌توان معین کرد، زیرا عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت را به وجود می‌آورد، ولی اجماً می‌توان گفت: تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود، یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد، از مصادیق سوء معاشرت است (۴) که لازم است نهاد خانواده از وجود این سوء معاشرت‌ها پاک شود و حسن معاشرت در ابعاد مختلف آن، سرلوحه زندگی خانوادگی قرار گیرد، البته باید یاد آور شد که حسن معاشرت نسبت به افراد، مختلف است، بین افراد عمومی جامعه و دوستان، حسن تفاهم و حسن خلق، کافی است، اما در زندگی زناشویی این مقدار کافی نیست، زیرا بقای رابطه زناشویی، رعایت امور دیگری را نیز ایجاب می‌کند، از آن جمله داشتن روابط جنسی مطابق با موقعیت، محیط و وضعیت طبیعی زوجین است و هیچ یک از زوجین نمی‌توانند از آن خودداری کنند (۵).

با این اوصاف می‌توان گفت که یکی از دلایل مهم تشکیل خانواده، زاد و ولد و تشکیل اجتماعات بشری است. اصولاً فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده، از نظر اسلام بقای نسل بشر است که مطابق فطرت و فلسفه آفرینش می‌باشد. افراد از

به همین دلیل برخی بر این عقیده‌اند که خداوند، کیفیت معاشرت را بیان نفرموده و آن را موقوف به عرف نموده تا اساسی باشد برای هر عصر و زمانی (۱۴).

به طور کلی در نظام اخلاقی اسلام، معاشرت نیکو با دیگران و داشتن حسن خلق، از گزاره‌های مهم در تعاملات اجتماعی است، چنانکه یکی از ممیزات مؤمن، خوش اخلاقی است. به نظر می‌رسد تداوم این رویکرد در نظام اخلاقی خانواده می‌تواند بسترساز اخلاق زیستی نیز تلقی شود. امام صادق (ع) درباره حسن خلق می‌فرماید: «حسن خلق آن است که برخوردت را نرم کنی، سختی را پاکیزه گردانی و برادرت را با خوشرویی دیدار نمایی» (۱۵). بدین ترتیب پرهیز از ناسزا گفتن و کتک‌زدن، قدردانی و سپاسگزاری، دلسوزی و دلجویی کردن و نیز تواضع و ادب، از جمله نشانه‌های حسن خلق است. اهمیت و جایگاه این اصل مهم اخلاقی همین بس که از معصوم منقول است که فرمود: «هرگاه فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از امانتداری و اخلاق نیکو برخوردار بود، به او همسر دهید و به عکس چنانچه کسی به خواستگاری آمده، اخلاق خوبی ندارد با او ازدواج نکنید» (۱۶). بر همین اساس فقهای اسلامی بر این عقیده‌اند که حسن خلق از جمله مکارم اخلاقی و مختصات لازم برای تدبیر امور منزل است و در روایات اسلامی، مهربانی و عطوفت را از جمله صفات زنان خوب دانسته‌اند (۱۷). همین رویکرد اخلاقی و رفتاری باید در رفتارهای مردان به عنوان مدیران خانواده نیز تجلی یابد، زیرا اصل تفاهم و تعاون بدون همکاری متقابل اعضای خانواده عملی نمی‌شود.

۴- اصل توافق و تفاهم

در حوزه خانواده، یکی از مباحث اخلاقی مهم آن است که هر کدام از زوجین و اعضای خانواده از تفاوت‌ها، سلیقه‌ها، نیازها و مسائل یکدیگر باخبر باشند و بدون آنکه قصد تخریب، تحقیر و تفاخر بر یکدیگر را داشته باشند، برای رفع نواقص و معایب هم تلاش کنند. این اصل با عنوان تفاهم و توافق بیان می‌شود که مبنایی برای زیست اخلاقی مناسب میان اعضای خانواده به شمار می‌رود. اصل تفاهم و توافق در واقع گونه دیگری از حسن معاشرت است که خود نیز امری اخلاقی

محبت را در رأس خود می‌بیند. بر این اساس، تأکید بر اظهار علاقه و محبت دوسویه هر یک از اعضای خانواده به یکدیگر، برای آن است که سبب تعاون و پایداری در مواجهه با مسائل مختلف می‌شود. زمانی که محبت بر فضای خانواده سایه گستراند، زمینه تزکیه، تربیت، تقویت فضایل و رشد اخلاقی را فراهم می‌کند. در نظام اخلاقی اسلام، بین ایمان به خدا و دوستی زوجین با یکدیگر، رابطه تنگاتنگ وجود دارد (۹). امام صادق (ع) می‌فرماید: «من گمان نمی‌کنم که مردی ایمانش افزون شود و محبتش به همسرش افزون نشود» (۱۰).

۲- اصل تکریم

یکی از اصول اخلاقی که برگرفته از معارف اسلامی است، اصل تکریم است که برخی آن را با نام «اخلاق مکرمتی» می‌شناسند (۱۱). در این زمینه از امام علی (ع) منقول است که فرمود: «نیک‌ترین اخلاق آن چیزی است که تو را با مکارم اخلاق همراه گرداند.» رسول خدا (ص) درباره تکریم زنان فرمود: «زنان را جز کریم (شخص) کریم نمی‌کند و جز (شخص) پست اهانت روا نمی‌دارد» (۱۲). یکی از نشانه‌های بارز رفتاری و عاطفی پیاده‌کردن تکریم در خانواده آن است که هر یک از زن و مرد، تلاش‌های یکدیگر را پاس دارند و قدردان هم باشند، البته پرواضح است که بخش وسیعی از آنچه زوجین انجام می‌دهند، جزء حقوق و تکالیف آن‌هاست، اما به واقع، قدردانی از افراد در هر جایگاهی که باشد در تکریم احسان و تقویت شخصیت و امیدبخشی انسان نقش دارد و در اصل، شکرگزاری به درگاه خداوند است (۳) و سبب نزول برکات الهی می‌شود (۱۲).

۳- اصل حسن معاشرت

بسیاری از محققین برآنند که معاشرت به معروف، «اصلی قرآنی و قانونی» بوده و صرفاً توصیه‌ای اخلاقی به مردان نیست، بلکه حاکم بر روابط زوجین و مفسر سایر قوانین مربوط به حقوق زن و شوهر است (۱۳). بنابراین حسن معاشرت و برقراری روابط نیک میان اعضای خانواده، اصلی اخلاقی و برگرفته از آموزه‌های اسلامی است که تضمینی برای زندگی اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. در همین راستا، دین اسلام، تغییرات و تحولات ناشی از شرایط زمانه را در نظر گرفته است.

می‌کاهد و او را در نظر دیگران بی‌مقدار می‌کند (۹). بنابراین به کارگیری آموزه‌های اخلاق اسلامی نشان‌دهنده آن است که دروغ و بی‌اعتمادی به مثابه یک زلزله، بنیان خانواده را هدف قرار می‌دهد و زمینه را برای گسترش بی‌اعتمادی، سوءظن و اعمال مخفیانه از سوی اعضای خانواده فراهم می‌آورد.

مبحث اخلاقی صداقت تا جایی است که حتی مهریه در ازدواج را نیز بر مبنای صداقت تعریف می‌کنند که در واقع سنگ بنای خانواده را بر مبنای اخلاق تعیین می‌نماید. علاوه بر مبحث اخلاقی صداقت، شکیبایی و صبر به عنوان خصیصه‌ای مهم و در راستای مساعدت به بهبود کانون خانواده بسیار مورد توجه است. توضیح این‌که هرکس در مواجهه با مسائل و مشکلات، رفتار و احساسات متفاوتی از خود بروز می‌دهد. بنابراین یکی از دستورالعمل‌های اخلاق دینی، در مواجهه با این موقعیت، صبر و خویشتنداری است. صبر فقط توان تحمل یا رهبری غرایز و احساسات نیست، بلکه گامی برای رشد اخلاقی و قدم‌گذاشتن در مسیری متعالی از روی آگاهی است. این شکیبایی و صبر، به ویژه در زندگی خانوادگی، بسیار ضرورت دارد (۱۷). در این زمینه خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره زمر می‌فرماید: «جز این نیست که خداوند پاداش صبرکنندگان را بدون حساب می‌دهد.»

۶- اصل وفاداری و امانتداری

اصل وفاداری و امانتداری یکی از اصول ضروری و پرکاربرد اخلاق، در حوزه خانواده است و در آموزه‌های اسلامی به ویژه آیات قرآن اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین منظور در عقد ازدواج، زن و شوهر عهد می‌کنند، به یکدیگر خیانت نکنند و در هر موقعیتی یار و غمخوار و حافظ و نگهبان جان، مال و ناموس یکدیگر باشند. روشن است پایبندی به این اصل جز با پشتوانه از دو مقوله اخلاص و ایمان فرد ضمانت اجرایی نمی‌یابد، چراکه ایمان زمینه تجلی کشش‌های فطری را فراهم می‌کند. از این رو، چنانچه زوجین حریم خانواده را از اغیار پاک و اصل عدالت را پیاده کنند، کانون خانواده امن و آرام خواهد بود و امکان خیانت و دخالت بیگانه و سوءاستفاده به وجود نخواهد آمد. وفاداری به قواعد خانواده نیازمند مقدماتی از جمله حسن ظن است. خداوند متعال مؤمنان را از سوءظن

محسوب می‌شود. اصل توافق و تفاهم در واقع بیش از هر چیز ناظر بر روابط زن و شوهر است که می‌تواند به بخش‌های مختلف خانواده نیز تسری یابد. بدین‌معنا که جریان طبیعی روابط شوهر با زن به این است که اگر می‌خواهد با زن زندگی کند، از او به خوبی نگهداری کند، حقوق او را ادا نماید، با او حسن معاشرت داشته باشد و اگر تصمیم به زندگی با او را ندارد، به خوبی و نیکی او را طلاق دهد» (۱۸). بنابراین هم مرحله آغاز زندگی، هم فرایند زندگی و حتی جدایی از یکدیگر، زیر چتر توافق قرار می‌گیرد که اصل اساسی و اخلاقی مندرج در آن، حفظ نهاد خانواده و حراست از ارزش‌های آن است.

اخلاق در خانواده بر مبنای تفاهم و تعامل، نشانه‌ای برای رشد اخلاق در کانون خانواده به شمار می‌رود، چه این‌که با درک متقابل و واقع‌نگری و انصاف، می‌توان بر آستانه تحمل افزود. همچنین با تفاهم و درک متقابل امکان تقسیم کارها فراهم و زمینه تعاون تقویت می‌شود. در نتیجه کارها، به نحو مطلوبی انجام خواهد شد و رسالت اخلاقی خانواده تحقق خواهد یافت (۱۹). یکی از موانع مهم در تحقق این اصل، انتظارات و طرح درخواست‌های نامعقول و غیر منطقی توسط هر یک از زوجین و فرزندان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر زنی که با شوهرش ناسازگاری کند، به آنچه از جانب خدا رسیده قناعت ننماید، بر شوهرش سختگیری و بیش از حد توانایی او خواهش کند، اعمالش قبول نمی‌شود و خدا بر او خشمناک خواهد بود» (۱۶). از این نمونه، استنباط می‌شود که یکی از نشانه‌های تفاهم و همکاری میان زوجین آن است که از هر کس، متناسب با توانایی‌های او توقع داشت و حتی وظایف معقولی را از طرف مقابل درخواست کرد.

۵- اصل صداقت و شکیبایی

صداقت، انسان را آماده و ملزم می‌گرداند تا نسبت به کار خود متعهد و مسؤول باشد، در حالی که دروغ خود را در پرده ابهام فرو می‌برد و به او این امکان را می‌دهد تا برای رهایی و توجیه کارهای ناصوابی که انجام داده است، به هر سخن و ریسمانی ملتجی شود. بدیهی است دروغ‌گویی به عنوان خصلتی منفی و بد، به مرور از عزت، شأن و آبروی مرد

نهی می‌کند و در همین راستا در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»

۷- اصل رازداری و عیب‌پوشی

حفظ اسرار خانواده و جلوگیری از عمومی‌شدن برخی مسائل که به عنوان راز و اسرار آن به شمار می‌رود، رفتاری اخلاقی است. همین رویه از ابتدای زندگی مشترک و با پیمان زن و شوهر آغاز می‌شود و اصل رازداری همواره سرلوحه زندگی در خانواده قرار دارد. توضیح این‌که ازدواج قوی‌ترین پیمان و مقدس‌ترین قرارداد است که آدمی با اعتماد به آن، والدین و خواهر و برادر خود را رها کرده و راضی می‌شود با فردی که شناخت زیادی از وی ندارد، هم‌پیمان شود و همه دارایی خود را با او به مشارکت گذارد. گویا به همین دلیل در روایات از این قرارداد به «قلاده» تعبیر شده و هشدار داده شده است که متوجه باشید عنان اختیار خود را به دست چه کسی می‌دهید و چه کسی را کنار خود قرار می‌دهید و شریک مال و دین و اسرار خویش می‌سازید (۳).

اصل رازداری و عیب‌پوشی در نهاد خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه زن و شوهر باید حافظ و نگهبان آن اموری باشند که در حریم خانواده قرار می‌گیرد و در این خصوص، به نقش زنان بیشتر توجه شده است. با توجه به این‌که نقل رازهای خانواده در محافل دیگر، ممکن است سبب برداشتهای مختلف، قضاوت‌ها، و تعصبات نا به جا شود، اثر نامطلوب و جبران‌ناپذیری بر نظام خانواده بر جا می‌گذارد. در راستای عملی‌شدن اصل رازداری، اصل عیب‌پوشی نیز می‌تواند بسیار کارساز باشد. این اصل اخلاقی به معنای آن است که زن و مرد حافظ و نگهبان آبروی هم باشند. خداوند متعال در عبارتی ظریف و لطیف در آیه ۱۸۷ سوره بقره می‌فرماید: «زن‌ها لباس برای شما و شما لباس برای زنان هستید.» تعبیر لباس برای هر یک از زن و شوهر، به معنای پوشاندن عیوب یکدیگر است، چراکه پس از ازدواج میان زوجین یکپارچگی ایجاد می‌شود و این موضوع نشان‌دهنده آن است که آن‌ها باید به یکدیگر احترام گذارند و حرمت‌ها را حفظ کنند و بدانند که بیان

نواقص دور از چشم حسودان و سوداگران حل و فصل شود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «عیبی بالاتر از این نیست که انسان عیب‌های دیگران را ببیند، ولی از عیوب خویش غافل باشد» (۱۶).

۸- اصل آراستگی و تمکین

بهبود و اصلاح رفتارهای فردی از جمله در نحوه مواجهه زن و شوهر با یکدیگر یک اصل اخلاقی در تدبیر نظام خانواده است. در این اصل، تأکید بر آن است که زوجین از عرضه زینت‌ها و زیبایی‌های خود به یکدیگر دریغ نورزند و به همان حدی که در مقابل اغیار حیا و غیرت دارند، در حریم خصوصی، برای رفع نیازهای غریزی و عاطفی یکدیگر تلاش کنند. مسأله آراستگی تا جایی مهم است که برخی آن را یکی از مصادیق «معروف» می‌دانند. این رفتار اخلاقی در وهله اول از زن و مرد شکل می‌گیرد که می‌تواند الگوی مطلوبی برای سایر اعضای خانواده تلقی شود. رابطه آراستگی، رابطه‌ای دوطرفه است. بدین‌معنا، همان‌گونه که زن خود را برای مرد آراسته می‌کند، مرد نیز چنین وظیفه‌ای در برابر همسر خود دارد (۲۰). بر همین اساس گفته می‌شود که از نشانه‌های حضور این اصل در خانواده آن است که محیط خانه پاکیزه باشد، از بهترین لباس و آرایش استفاده شود و خانواده محل آرامش و آسایش افراد باشد تا افراد از مسیر حق منحرف نشده و مرتکب حرام‌های الهی نشوند. از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «لباس‌های خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید و مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید که بنی‌اسرائیل چنین نکردند تا زنانشان زناکار شدند» (۲۱). هرچند در این زمینه نباید راه افراط را در پیش گرفت و زن را وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازهای جنسی تلقی کرد. همانطور که امام خمینی (ره) نیز به تبع این بزرگان، انگیزه‌های جنسی را تنها غایت و حکمت تشریح نکاح نمی‌داند، بلکه ایشان عقیده دارند که بعضی از غرض‌های عرفی و عقلایی بر ازدواج مترتب می‌شود که از صحت عقد نکاح حکایت می‌کند، غرض‌هایی چون محرمیت و وصلت با خانواده شریف (۲۲).

۹- تقسیم وظایف بر مبنای عدالت

مقتضیات عرف اغلب جوامع، بر عهده گرفتن امور بیرونی خانواده برای مردان و امور داخلی برای زنان است، البته این موضوع نباید عاملی برای انفصال و تقسیم دائمی در نظر گرفته شود، بلکه به معنای اهمیت مسأله تربیت در خانواده و همچنین سامان بخشیدن به امور اقتصادی خانواده در بیرون است. از این جهت، اخلاق اسلامی چنین بیان می‌کند که یکی دیگر از اصول اخلاق زیستی اسلامی که می‌تواند توسط نظام خانواده مورد استفاده قرار گیرد و حتی الگویی برای جامعه نیز تلقی شود، رعایت اصل عدالت‌محوری و توجه به تقسیم وظایف زوجین در زندگی مشترک است. بر این اساس، در مسائل اخلاقی، عدل در مقابل ظلم به معنای «موزون بودن در مقابله با بی‌تناسبی» است. بنابراین موازنه حق و تکلیف برای زن و مرد بر پایه تفاوت‌های تکوینی و طبیعی، متناسب با امکانات و توانایی‌ها و استعدادهای آنهاست تا امکان اداره خانواده و اصلاح جامعه فراهم شود (۲۳). در این زمینه، پاسخگویی به شبهات اخلاقی و بررسی برخی آیات که توسط معاندین احکام الهی به ابزاری برای توجیه عدم رعایت عدالت و حقوق زوجین در اسلام مطرح می‌شود، حائز اهمیت است. از جمله آیه ۳۴ سوره نساء است که نه تنها سلطه مردان بر زنان از آن استنباط نمی‌شود، بلکه حاوی اصل عدالت و تخصص‌گرایی در اخلاق زیستی اسلامی است. قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، سرپرست و نگهدارنده زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند.»

نکته کلیدی در استدلال به آیه فوق، سبب قوامیت (سرپرستی) مردان نسبت به زنان است که در آیه دو جهت برای آن ذکر شده است: اول، افضلیتی که از سوی خداوند، به برخی از مردان (و نه همه آنان) اعطا شده؛ دوم، انفاق مردان بر زنان که مراد از آن، مسؤولیت‌های مالی مردان در قبال زنان است. در همین راستا، مفهوم قوامیت می‌تواند در دو حیطه خانواده و اجتماع، مطرح گردد. به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت

قوامیت در سه معنای عام، خاص و اخص قابل طرح است. در معنای عام «ال» در «الرجال» و «النساء»، «ال استغراق» بوده و قوامیت، به مفهوم عام سرپرستی و تکلیف حفاظت از زنان جامعه، برای مردان معنا خواهد شد که می‌توان به تصدی مشاغل سخت و خطیر جامعه توسط مردان و معافیت زنان از این موارد اشاره کرد، در این معنا تکلیف حفاظت و قوامیت، محدود به حیطه خانواده نیست. بر این اساس برخی از فقها و مفسرین، برای مردان در جامعه حقوق و تکالیفی چون قضاوت، حکومت و ولایت بر مردم، شهادت در دعوی، آمادگی نظامی و دفاع جنگی را بیان نموده‌اند (۱۷). در معنای خاص، حیطه قوامیت مردان به زنان محدود به زندگی زناشویی نبوده و علاوه بر همسران، می‌تواند شامل تکلیف سرپرستی از مادران، خواهران و دختران خانواده، که مرد، تأمین نفقه ایشان را بر عهده دارد، نیز بشود.

۱۰- اصل صرفه‌جویی و زندگی مقتصد

صرفه‌جویی از ارکان اقتصاد و از پایه‌های اصلی نظام اجتماعی است. از نظر اسلام، مال و ثروت وسیله‌اند نه هدف، و به همین سبب، در راستای حفظ کرامت و منزلت فرد، نقش خانواده به مثابه مهم‌ترین نهاد قبل از ورود انسان به اجتماع حائز اهمیت است. خداوند در آیه ۲۹ سوره اسراء به ارائه الگویی بسیار جامع برای مقابله با اسراف پرداخته است و می‌فرماید: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی.» در این آیه شریفه، دست به گردن‌آویختن که کنایه است از خساست و خرج‌نکردن قبیح است و از طرفی بذل و بخشش نا به جا هم خوشایند نیست و در هر دو نوعی زیان وجود دارد (۲۴). طبق آیه شریفه، برای استفاده از مال دو راه دانسته شده است: نخست، تأمین معیشت به صورتی مقتصدانه و با میانه‌روی؛ دوم، انفاق باقی مال، یعنی آنچه افزون‌تر بر انواع نیازهای فرد بر جای می‌ماند، البته انفاق کردن بی‌محابا یا اسراف در آن به هیچ وجه پذیرفته نیست و افراد از آن نهی شده‌اند. به هر ترتیب باید گفت اسلام مانع رفاه در زندگی

شریعت و شارع است (۲۷) و با تکثیر نسل، که از اهم مصالح است، عملی‌ساختن احکام شریعت محقق می‌شود (۲۸).

نتیجه‌گیری

نظام اخلاق اسلامی دیدگاه‌های منحصر به فردی درباره نهاد خانواده و نحوه مدیریت و تعامل آن با نظام اجتماعی را بیان می‌کند، از جمله این‌که با در نظر گرفتن شرایط مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، درصدد پیاده‌کردن مقاصد شریعت در نهاد خانواده و سپس انتقال آن به جامعه است. هنگامی که ارزش‌های اسلامی، از جمله مهرورزی، صداقت، رفتار بر مبنای کرامت و دوستی، احترام متقابل، امر به معروف و نهی از منکر شکل بگیرد و آموزش داده شود، آثار اخلاقی آن نیز در جامعه بروز پیدا می‌کند. بر این اساس، در اسلام و احکام اسلامی، ارتباط وثیقی میان نظام اخلاقی خانواده و نظام اجتماعی وجود دارد که حکایت از مطلق‌بودن ارزش‌ها و همچنین انتقال آنان به جامعه دارد. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که نهاد خانواده با بسط و گسترش تعالیم دینی به خوبی می‌تواند موجد مودت و دوستی در بین اعضای خانواده و انتقال آن به جامعه شود. به طور مشخص نهاد خانواده بر پایه اصول متعددی از جمله ایجاد رابطه مودت‌آمیز، رابطه مبتنی بر تکریم و احترام، حسن معاشرت، توافق و تفاهم، صداقت و شکیبایی، وفاداری و امانتداری، رازداری و پرهیز از عیب‌جویی، آراستگی و تمکین به دیدگاه‌های اعضای خانواده از جمله روابط میان زن و شوهر، تقسیم وظایف و تخصص‌گرایی، ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و زندگی اقتصادی بر پایه نیازهای اساسی حیات خانواده و جامعه، و همچنین توجه به اصل مهم تکثیر نسل و بقای نوع انسان، زمینه‌ساز اخلاق زیستی در نظام خانواده می‌شود که در نهایت هم برای اصلاح اخلاقی رفتارهای فردی و هم اصلاح اخلاق عمومی می‌تواند راه‌گشا و الگو باشد. بر این اساس، اخلاق زیستی در نظام اخلاقی اسلامی با تکیه بر نهاد خانواده راه‌های مؤثری برای زیست اخلاقی مؤثر فراهم می‌آورد که به خوبی نشان‌دهنده رویکرد اخلاقی احکام و آموزه‌های دینی است. بنابراین آنچه می‌تواند به عنوان نقشه راه و بستری برای زیست اخلاقی مطلوب تلقی

نیست، بلکه حتی انسان را دعوت به زندگی بهتر و سالم‌تر می‌کند. در همین راستا، حدیثی از امام سجاد (ع) آمده است که می‌فرماید: «پسندیده‌ترین شما نزد خداوند آن کسی است که رفاه بیشتری برای خانواده‌اش فراهم آورد، اما از رفاهی که افراطی باشد و موجب اشرافی‌گری گردد، بر حذر می‌دارد و انسان را تشویق به قناعت و صرفه‌جویی در استفاده از مواهب و نعمات الهی می‌نماید» (۱۰). به نظر می‌رسد تحقق این اصل اخلاقی بیش از هر چیز در نظام خانواده میسر است که می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای اجتماعی نیز تلقی شود.

۱۱- حفظ و تکثیر نسل

حفظ نسل و تداوم آن یکی از اصول اخلاقی مهمی است که تنها با وجود نهاد خانواده میسر می‌شود. در این‌باره از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که می‌فرماید: «با زنان باکره زایا ازدواج کنید و با زنان زیباروی عقیم وصلت نکنید، چراکه من به شما امت در روز رستاخیز مباحثات می‌کنم» (۳). به نظر می‌رسد این عمل بیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، در راستای اصول اخلاقی مبنی بر تکثیر نسل انسان و داشتن جمعیت متناسب با اهداف جامعه اسلامی صورت می‌گیرد. به همین دلیل، نقش قواعد فقهی در جهت حمایت از تکثیر و ازدیاد نسل نمایان می‌شود. از آن روی که در اخلاق اسلامی، منافع عموم بر منافع فرد ارجحیت دارد و در همین راستا، فداکردن مصلحت فرد برای مصلحت عموم، نشان از اهمیت قاعده اهم و مهم و نقش آن در اجتهاد اسلامی است (۲۵). توضیح این‌که دین مبین اسلام در تطابق با عقل اجازه داده است تا کارشناسان با جستجو در مورد مصالح مفسد هر یک از دو حکم متزاحم، آن یک را که با مصالح مهم‌تری همراه است بر دیگری مقدم دانسته و بدان عمل کنند (۲۶). بنابر این اصل حفظ نسل و تکثیر آن به عنوان یک مصلحت عمومی به مثابه یک عمل اخلاقی مورد توجه است. از این رو و با رویکردی اخلاقی باید گفت که موافقان تکثیر جمعیت و تداوم نسل، با تکیه بر این اصل معتقدند که در هنگام تزاحم دو موضوع کاهش جمعیت و یا افزایش آن، فرزندآوری به عنوان کارکرد اصلی خانواده بر هر مسأله دیگری مقدم می‌شود، زیرا حفظ نسل انسان، از مهم‌ترین مقاصد

شود، توجه به اهمیت نهاد خانواده و اشاعه فرهنگ خانواده‌محوری و نقد بنیان‌های تمدنی غرب است که با ترویج فردگرایی، نهاد خانواده را هدف گرفته است.

References

1. Mahmoodi Dehkordi Z. Investigating the Relationship between Bioethics and Human Rights. *Investigating Law and Politics* 2010; 12(28): 253-277. [Persian]
2. Al-Hakim M. Minhaj al-Salihin. Beirut: Publisher Dar al-Ta'aruf lil-matbu'at; 1990.
3. Hurr Amili MH. Wasa'il al-Shia. Tehran: Publisher al-Maktabah al-Islamiyyah; 1987.
4. Katoozian N. Civil Rights: Family. Tehran: Publisher Dadgostar; 2000. [Persian]
5. Taheri M. Civil Rights. Qom: Publisher Islami; 1998. [Persian]
6. Tabarani SA. Al-Mu'jam al-Kabir. Beirut: Publisher Dar Ehya al-Torath al-Arabi; 1999.
7. Fooladi M. Declining population is the latest Western Strategy. Qom: Publisher Mastoor; 2015. [Persian]
8. Motahari M. The System of Womens rights in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 1995. [Persian]
9. Delshad Tehrani M. Prophetiv Life. Tehran: Publisher Darya; 2007. [Persian]
10. Al-Kulayni MY. Al-Kafi. Corrected by Ghaffari AA. Tehran: Publisher Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1987.
11. Motahari M. Education in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 1992. [Persian]
12. Al-Amin M. A'yan al-Shi'a. Beirut: Publisher Dar al-Ta'aruf; 1987. [Persian]
13. Jalali Kondori S. Muslim Women, Veiling or Social Presence. Tehran: Publisher al-Zahra; 2006.
14. Madresi MT. Frome the guidance of the Quran. Tehran: Publisher Daralmohebi al-Hosein (A); 1999.
15. Sheikh al-Saduq AJ. Man La yahduruhu al-Faqih. Corrected by Ghaffari AA. Qom: Publsher Islami; 1993.
16. Allameh Majlessi MB. Mir'at al-'Uqul. Corrected by Akhondi A. Tehran: Publisher Dar al-Kutub al-Islamiyya; 1988.
17. Noori Tabrasi H. Mustadrak al-Wasa'el. Qom: Publisher Dar Ehya al-Torath al-Arabi; 1988.
18. Motahari M. Collection of works of Jurisprudence and Law. Tehran: Publisher Sadra; 2013. [Persian]
19. Mostafavi J. Family paradise. Mashhad: Publisher Hatef; 1996. [Persian]
20. Qurtubi MA. Jameol al-Ahkam. Tehran: Publisher Naser Khosrow; 1985.
21. Shirvani A. Nahj al-Fasaha. Qom: Publisher Dar al-Fikr; 2008. [Persian]
22. Musavi Khomeini RA. Kitab al-Bay'. Qom: Publisher Ismailian; 1992.
23. Mahdavikani S. The Structure of the moral proposition of the Quran. Tehran: Publisher Imam Sadegh (A); 2010. [Persian]
24. Zoheili V. Family Jurisprudence in the Contemporary world. Translated by Salimi AA. Tehran: Publisher Ehsan; 2009.
25. Motahari M. Islam and the requirments of the time. Tehran: Publisher Sadra; 1990. [Persian]
26. Muzaffar MR. Usul al-Fiqh. Qom: Publisher Jahan; 2004. [Persian]
27. Al-Bouti MSR. Zavabet al-Moslehah. Beirut: Publisher al-Resaleh; 1992.
28. Sabzevari AA. Mohazab al-Ahkam. Qom: Publisher Almenar; 1993.